

جهت یافتن ناظم حسن پور تلاش کنیم



ناظم حسن پور کارگر ساختمانی ۴ ماه پیش در رابطه با اعتراضات سال ۸۸ توسط ماموران اطلاعات سپاه ربوده شده است. او را به محل نامعلومی انتقال داده اند که طی چهار ماه گذشته هیچ خبری از او در دست نیست.

ناظم حسن پور اهل روستای دوراهی بوزوند از توابع شهرستان کوههدشت است که پس از مرگ پدر و مادر خود سرپرستی دو خواهر و برادر کوچکتر خود را به عهده دارد و در پی سخت شدن امرار معاش مجبور شده از تحصیل در دانشگاه صرف نظر کرده به کارگری در ساختمان روی آورد سال قبل (۸۸) او در تهران مشغول به کار بوده است. در حال حاضر برادر و خواهران ناظم به سختی گذران زندگی می کنند و امکان پی گیری و یافتن برادر خود را ندارند. لذا:

از تمامی کارگران، کمونیست ها، تشکل های کارگری ایران و جهان می خواهیم برای یافتن ناظم حسن پور تلاش کنند.

جمعی از کارگران ساختمانی تهران

۱۳۸۹/۵/۱۴

هشدار رئیس سازمان نظام پرستاری نسبت به برگزاری تجمع اعتراضی از سوی

جامعه پرستاری

غضنفر میرزاییگی، رئیس سازمان نظام پرستاری، روز دوشنبه از استخدام نشدن ۲۳ هزار پرستار برای بیمارستان ها و مراکز درمانی دولتی انتقاد کرد و گفت: چنانچه این استخدام ها تحقق نیابد، جامعه پرستاری برای برگزاری تجمع اعتراضی در تهران اقدام می کند. به گزارش خبرگزاری ها، آقای میرزا بیگی اشاره کرد که با وجود تصویب طرح کاهش ساعات کار پرستاران، و قانون ارتقای کیفی خدمات پرسنل بالینی، این استخدام ها صورت نگرفته اند. وی گفت که جامعه پرستاری پس از ماه رمضان درخواست برگزاری تجمع را به وزارت کشور ارائه می کند. رئیس سازمان نظام پرستاری همچنین از مشکلات ساعت کار بالا، شیفت های اجباری و نداشتن تعرفه خدمات برای پرستاران بخش دولتی در ایران انتقاد کرد.

منصور اسالو به ۱ سال حبس تعزیری محکوم شد



منصور اسالو رئیس هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد تهران که به دلیل ۵ سال زندان فعالیت های سندیکایی خود، به محکوم شده بود و هم اکنون در حال گذراندن دوره محکومیت خود در زندان است، از سوی دادگاه انقلاب کرج، با اتهام تبلیغ علیه نظام به یک سال حبس تعزیری محکوم شد. به گفته وکلای آقای اسالو، امکان اعتراض به رأی صادره ظرف ۲۰ روز پس از اعلام حکم وجود دارد که وکلا در موعد مقرر اقدام خواهد کرد.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران

هفتصد کارگر اخراجی نوشابه سازی ساسان بیمه بیکاری دریافت نکردند



آسمان دیلی نیوز - با گذشت نزدیک به ۵ ماه از آخرین اخراج دسته جمعی کارگران نوشابه سازی ساسان هنوز تمامی این کارگران نتوانسته اند از حق قانونی خود مبنی بر دریافت مقرری بیمه بیکاری استفاده کنند. به گزارش ایلنا، جمعی از کارگران قراردادی کارخانه نوشابه سازی ساسان اعلام کردند که هنوز موفق به دریافت مقرری بیمه بیکاری نشده اند.

این کارگران در جریان تعدیل های سال ۸۸ شرکت ساسان به اجبار از کار اخراج شده بودند و تعداد آنها به بیش از ۷۰۰ نفر می رسد.

کارگران اخراجی می گویند: پس از آنکه کارفرما حاضر نشد حتی با آنها به عنوان کارگر ساده قرارداد ببندد، به سازمان تامین

ما از همه ی کارگران، تشکل های کارگری و نهاد های حقوق بشر داخلی و بین المللی می خواهیم که نسبت به سرنوشت کارگران زندانی بی تفاوت نباشند و از هر طریق ممکن به ادامه احضار، محاکمه و بازداشت آنها، اعتراض کرده و خواستار آزادی همه کارگران زندانی در ایران شوند.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

به دفاع از مبارزات عدالت طلبانه

کارگران ایران برخیزیم

کمیته همبستگی با جنبش کارگری ایران -

استرالیا

سوم، آگوست ۲۰۱۰

ایرانیان آزادیخواه:

به دفاع از مبارزات عدالت طلبانه کارگران

ایران برخیزیم

جنبش کارگری در ایران در زیر شدیدترین

سرکوب ها قرار گرفته و جمهوری اسلامی در

جهت خاموش کردن صدای خواسته ها و

اعتراضات کارگری در ایران دست به

دستگیری و محاکمات فعالین آن در بی

دادگاههای خود زده است. مبارزات کارگران

همیشه پیشتاز پیکار مردم بوده است. در

شرایطی که زندان های رژیم اسلامی پر است

از فعالین کارگری و آزادیخواهان کشور و

کسانی مانند آقایان منصور اسانلو، ابراهیم

مددی، رضا شهبابی و صدها فعال دیگر جنبش

کارگری، زنان، دانشجویان، خلق های تحت

ستم که سالها ست در سیاهچال های رژیم به

اسارت گرفته شده اند، "کمیته همبستگی با

جنبش کارگری ایران"، تجمع اعتراضی در

دفاع از جنبش کارگری و بخاطر آزادی فعالین

کارگری و دیگر آزادیخواهان بر پا می کند. ما

همه نیروهای سیاسی، هواداران جنبش

کارگری و مردم آزادیخواه را به شرکت در

این تجمع اعتراضی فرا می خوانیم و

دستشان را می فشاریم.

اجتماعی مراجعه کردند تا از مقرری صندوق بیمه بیکاری استفاده کنند.

به گفته یکی از کارگران در حال حاضر نزدیک به نصف اخراج شدگان به شرط شرکت در دوره های آموزش فنی و حرفه ای توانسته اند تا حدودی از حق خود استفاده کنند اما تکلیف مابقی هنوز روشن نشده است.

این کارگران همچنین می گویند پس از اخراج آنها، کارفرما نیروی جایگزین را با پرداخت حداقل حقوق و حذف سرویس و ناهار استخدام کرده است.

کارگران نوشابه سازی ساسان تنها مورد در این موضوع نیستند.

گزارش هایی که در سالیان اخیر انتشار یافته است، نشانگر آن است که بسیاری از کارگران چنین مشکلی دارند.

بیانیه کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

جای کارگران در زندان نیست

کارگران، تشکل های کارگری و نهادهای مدافع حقوق بشر داخلی و بین المللی!

در روزها و هفته های اخیر دور تازه ای از احضار، بازداشت و زندانی کردن کارگران، رهبران و فعالین کارگری شدت یافته است. در این رابطه می توان از دستگیری سعید ترابیان و رضا شهبابی، دو تن از اعضای هیئت مدیره سندیکای شرکت واحد تهران و افزایش فشار بر منصور اسانلو و ابراهیم مددی در زندان، نام برد. این در حالی است که خانواده رضا شهبابی هنوز از سرنوشت و اتهامی که بر او وارد شده، اطلاعی ندارند.

علاوه بر این محاکمه دو فعال کارگری، وفا قادری و صدیق سبحانی در دادگاه شهر سمنان انجام گرفت و جمعی دیگر از اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری شهر اشنویه به اسامی فتاح سلیمانی، عیسی ابراهیم زاده، عباس هاشم پور، حسین پیروتی، رحمان ابراهیم زاده، صمد احد پور و رحمان تنها در دادگاه انقلاب شهر ارومیه محاکمه شدند و آنها دفاعیات خود را ارائه دادند. در حالی این محاکمه ها صورت گرفت که پیش از این، خسرو بوکانی از فعالین کارگری شهر نقده به دو سال حبس تعزیری محکوم شده بود. هم چنین کاوه گل محمدی از فعالین کارگری شهر کامیاران برای گذراندن دوره حبس، به زندان سمنان انتقال یافت.

در شرایطی بازداشت و محاکمه کارگران تداوم می یابد که طبقه کارگر از نظر شرایط کار و زیست هم چنان در شرایط نامساعدی بسر می برد. از یک سو تعطیلی مراکز کار و بیکار سازی ها و به تعویق افتادن همان حقوق ۳۰۳ هزار تومانی و از سوی دیگر در اختیار داشتن ابزارهای قانونی و فرا قانونی توسط سرمایه داران در برابر اعتراض های کارگری، آنها را با مشکلات معیشتی فراوانی روبرو کرده است.

در چنین وضعیتی کارگران برای دفاع از مطالبات و حقوق پایمال شده ی خود چه راهی جز اتکا داشتن به نیروی خود دارند؟ کارگران و فعالین دربند و محاکمه شده، چه جرمی جز دفاع از دوستان هم طبقه ای خود مرتکب شده اند؟ آنها به دلیل تلاش برای ایجاد تشکل های مستقل کارگری که بتواند در هر شرایطی نماینده و مدافع آنها باشد، بازداشت شده اند. جای کارگران و نمایندگان و فعالین کارگری در زندان نیست، بلکه آنها باید در کنار همکاران و هم طبقه ای های خود، در صف مبارزه برای داشتن یک زندگی انسانی قرار بگیرند.



مکان : مقابل تاون هال سیدنی

Corner of Goerge st. and Bathurst st. City of Sydney

زمان : جمعه ۱۳ آگوست از ساعت ۳ تا ۶ بعد از ظهر

برای اطلاعات بیشتر با شماره مایل (+۴۱۳۴۸۹۴۲۰) آقای پرتوی تماس بگیرید

کمیته همبستگی با جنبش کارگری ایران - استرالیا

سوم، آگوست ۲۰۱۰

اتحادیه سندیکایی همبستگی / سود در دفاع رضا شهابی

رضا شهابی عضو هیئت رئیسه سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه در در

ساعت ۱۰ صبح ماه ژوئن ۲۰۱۰ در محل کار خود بازداشت شده است. بنا بر گزارش " "

بامداد خبر " و منابع مطمئن کارگری، آقای رضا شهابی که در این روزها در مرخصی

استعلاجی به سر می برد، بازداشت و به خانه برده شده است. پس از تفتیش خانه ایشان، او

را به محل نا معلومی برده اند.

ترجمه و تکثیر از : " همبستگی سوسیالیستی با کارگران ایران - پاریس "

خطاب به : سفارت جمهوری اسلامی ایران در پاریس

آقای احمدی نژاد رئیس جمهور

آیت الله سید علی خامنه ای رهبر جمهوری اسلامی ایران

آیت الله محمود هاشمی شاهرودی وزیر دادگستری

سفیروهیئت دائمی نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در مقر سازمان ملل متحد در

ژنو

تاریخ : چهارم ماه اوت ۲۰۱۰

آقایان

رضا شهابی عضو هیئت رئیسه سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه در در

ساعت ۱۰ صبح ماه ژوئن ۲۰۱۰ در محل کار خود بازداشت شده است. بنا بر گزارش " "

بامداد خبر " و منابع مطمئن کارگری، آقای رضا شهابی که در این روزها در مرخصی

استعلاجی به سر می برد، بازداشت و به خانه برده شده است. پس از تفتیش خانه ایشان، او

را به محل نا معلومی برده اند.

رضا شهابی دومین فعال سندیکای شرکت واحد است که در این برحه زمانی دستگیر میشود.

آقای سعید ترابیان، که وی نیز عضو هیات ریسه همین سندیکا و مسئول روابط عمومی آن

میباشد، توسط چهار مامور امنیتی در خانه خود بازداشت شده است. مامورانی نیز چندین بار

به خانه حبیب رضاپور، عضو فعال این سندیکا مراجعه کرده اند ولی هر بار وی در خانه نبوده

است. منصور اسانلو، رئیس این سندیکا و ابراهیم مددی، نایب رئیس، هر دو در بازداشت

به سر می برند.

مقامات مسئول به خانواده رضا شهابی گفته بودند که محل بازداشت او را به اطلاع آنان

خواهند رساند، اما خانواده اواز روز ۱۲ ژوئن، روز دستگیری، تا امروز هیچ اطلاعی در باره

رضا شهابی ندارد. او تا تاریخ ۲۲ ژوئن سه بار با تلفن با خانواده خود تماس برقرار کرده بود

اما از این روز به بعد، در مدت دو هفته ی که میگذرد، هیچ تماسی نگرفته است. در آخرین

تماس رضا شهابی از درد پشت و گردن شکوه کرده است. خانواده او به شدت نگران حال رضا شهابی است.

خانواده و وکیل او درخواستی را به دفتر

دادستان و دادگاه حقوق مدنی ارائه داده اند

اما هیچ گونه پاسخی از مسئولین دریافت

نکرده اند.

اتحادیه سندیکایی همبستگی -سود- خواهان

آزادی فوری کلیه فعالین سندیکایی زندانی

بوده و خواهان این است که خبر وضعیت رضا

شهابی هر چه سریعتر به خانواده او داده

شود.

از طرف اتحادیه همبستگی

آنیک کوپه

کریستین محی او

ترجمه و تکثیر از : " همبستگی سوسیالیستی

با کارگران ایران - پاریس "

رضا شهابی عضو سندیکای اتوبوسرانی

در تهران را فوراً آزاد کنید!

۷ آگوست ۲۰۱۰

اتحادیه آزاد گوتلند

کمیته همبستگی کارگران ایران - سوئد

رضا شهابی عضو هیئت مدیره سندیکای

اتوبوسرانی در تهران بوسیله نیروهای رژیم

ایران در تاریخ ۱۲ یونی ۲۰۱۰ دستگیر شد.

او در زندان اوین تهران زندانی است. تا کنون

نه خانواده و نه وکیل او موفق به ملاقات او

نشده اند.

هم اکنون خیلی از فعالین کارگری در

زندانهای ایران زندانی هستند. "جرم" آنها

مبارزه برای رسیدن به حقوق شان است.

مردم ایران در سال گذشته نشان داده اند که

دیگر تحمل رژیم اسلامی و اعمال غیر انسانی

اش را ندارند. آنها شدیداً به جهانیان نشان

داده اند که رژیم اسلامی یک رژیم دیکتاتوری

است که آنها را از تمام حقوق شهروندی

خویش محروم کرده است. مبارزه در ایران

واگذاری ساخت خط لوله صلح به سپاه
 رادیو زمانه - پروژه ساخت فاز دوم خط لوله گاز صادراتی ایران به هند و پاکستان که به نام «خط لوله صلح» موسوم است به قرارگاه خاتم‌الانبیاء سپاه پاسداران ایران واگذار شده است.

فاز دوم این خط لوله از ایرانشهر در استان سیستان و بلوچستان ایران تا مرز پاکستان را شامل می‌شود.



خبرگزاری‌های ایران امروز گزارش داده‌اند که مذاکرات شرکت ملی گاز ایران و قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء برای اجرای فاز دوم این خط لوله گاز به طول ۲۷۰ کیلومتر نهایی شده است. این پروژه گازی به ارزش تقریبی ۲۰۰ تا ۲۵۰ میلیون دلار انجام می‌شود.

ساخت فاز اول خط لوله صلح نیز خرداد ماه سال ۱۳۸۴ به طول ۹۰۷ کیلومتر به ارزش ۸۰۸ میلیون یورو به قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء واگذار شده بود.

طرح خط لوله انتقال گاز صادراتی ایران به هند و پاکستان در سال ۱۹۹۰ مطرح شد اما گفت‌وگوها بر سر این طرح از ۱۰ سال پیش آغاز شد. بر پایه تفاهم‌های انجام شده، ایران متعهد می‌شود که تا مدت ۲۵ سال، گاز خود را با قیمت ارزان به هند و پاکستان بفروشد. ساخت فاز اول خط لوله صلح نیز خرداد ماه سال ۱۳۸۴ به طول ۹۰۷ کیلومتر به ارزش ۸۰۸ میلیون یورو به قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء واگذار شده بود.

محمد‌هادی نژادحسینیان، معاون پیشین وزارت نفت، مردادماه ۱۳۸۶ با انتقاد از این قرارداد، گفته بود که ایران بیش از ۳۰ درصد به هند و پاکستان تخفیف داده است.

جریان است و همه جنبش‌های اجتماعی خواسته‌های خود را تکامل داده و در صدد فرم دادن به مبارزات خود هستند. جنبش کارگری، جنبش زنان و دانشجویان خود را بهم دیگر نزدیکتر کرده تا با یک اتحاد قویتر بر مشکلات فائق آمده یعنی به عمر رژیم اسلامی پایان دهند. حق داشتن و ایجاد سازمانهای کارگری، در خواست حقوق و شرایط کاری بهتر از حقوق مسلم و بنیادی کارگران است که از طرف رژیم با خشونت، دستگیری‌های وسیع و شکنجه روبرو می‌گردد.

همه کارگران دستگیر شده و زندانی در ایران را بی قید و شرط و فوری آزاد کنید!

رضا شهبانی را فوراً آزاد کنید!

۷ آگوست ۲۰۱۰

اتحادیه آزاد گولند

کمیته همبستگی کارگران ایران - سوئد

محکومیت دبیر انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران به ۶ سال حبس

بدرالسادات مفیدی، دبیر انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران به ۶ سال حبس تعزیری و ۵ سال محرومیت از فعالیت مطبوعاتی از سوی شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب محکوم شده است. به گزارش تارنمای «تا آزادی روزنامه‌نگاران زندانی»، اتهامات این روزنامه‌نگار «اجتماع و تبانی علیه امنیت کشور و فعالیت تبلیغی علیه نظام» عنوان شده است.

دبیر انمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران ۲۰ روز فرصت دارد تا به این حکم اعتراض کند. مفیدی پیش از این به مدت پنج ماه ونیم در بازداشت موقت بوده و ۱۸ خرداد ۸۹ با قرار وثیقه به طور موقت از زندان آزاد شد.

مفیدی هفت دی ۱۳۸۸ با حکم عمومی عباس جعفری‌دولت‌آبادی، دادستان تهران برای بازداشت فعالان سیاسی که در مراسم تشییع جنازه آیت‌الله حسینعلی منتظری حضور داشته‌اند، بازداشت شد. همسر او مسعود آقایی نیز همزمان با او بازداشت و ۵۲ روز بعد با سپردن وثیقه آزاد شد.

سازمان‌های بین‌المللی در یک سال گذشته نسبت به بازداشت گسترده روزنامه‌نگاران ایرانی پس از انتخابات بحث‌برانگیز ریاست‌جمهوری ۲۲ خرداد ۸۸، بارها ابراز نگرانی کرده‌اند. بابک بردبار و حامد صابری نیز دو عکاس خبری هستند که در چند روز گذشته از زندان اوین آزاد شده‌اند.

سازمان‌های بین‌المللی در یک سال گذشته نسبت به بازداشت گسترده روزنامه‌نگاران ایرانی پس از انتخابات بحث‌برانگیز ریاست‌جمهوری ۲۲ خرداد ۸۸، بارها ابراز نگرانی کرده‌اند. سازمان گزارشگران بدون مرز می‌گوید که ایران بزرگترین زندان روزنامه‌نگاران در خاورمیانه است.

«کمیته حمایت از روزنامه‌نگاران» دوم مردادماه جاری با انتشار گزارشی اعلام کرد که دست‌کم ۳۷ روزنامه‌نگار ایرانی هنوز در زندان هستند.

با این حال محمود احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهور ایران می‌گوید که ایران آزادترین کشور دنیا است.

کودکان. قربانیان خشونت فزاینده طالبان افغانستان



آخرین برآورد سازمان ملل از افزایش قربانیان غیرنظامی در افغانستان خبر می‌دهد. بنا بر این برآورد شمار قربانیان غیر نظامی سال جاری نسبت به سال گذشته ۳۱ درصد افزایش یافته است. شمار کودکان قربانی ۵۵ درصد افزایش نشان می‌دهد. طبق گزارش جدید سازمان ملل متحد، شمار قربانیان غیرنظامی افغانستان در شش ماهه‌ی نخست سال جاری نسبت به همین دوره‌ی زمانی در سال گذشته به گونه‌ای چشمگیر افزایش یافته است. از ژانویه تا ژوئن سال جاری حدود ۱۲۷۱ غیر نظامی کشته شدند که این رقم نسبت به شش ماهه‌ی نخست سال گذشته ۳۱ درصد افزایش نشان می‌دهد. بنا بر گزارش اشتافن د میستورا، فرستاده‌ی ویژه‌ی سازمان ملل در کابل، شمار کودکان قربانی در افغانستان در سال جاری نسبت به سال گذشته ۵۵ درصد افزایش یافته است. در شش ماهه‌ی نخست سال ۲۰۱۰ بر اثر حملات اسلام‌گرایان افراطی ۱۷۶ کودک کشته و ۳۸۹ تن از آنان زخمی شدند. این میزان بیش از دوبرابر قربانیان کودک این کشور در همین دوره‌ی زمانی در سال گذشته است. اشتافن د میستورا که این گزارش را روز سه‌شنبه، ۱۰ اوت (۱۹ مرداد)، تسلیم سازمان ملل کرده است، کودکان و زنان افغان را

او همچنین خردادماه گذشته، قرارداد خط لوله صلح را «کاپیتولاسیون» (دادن امتیازات ویژه) خواند و از نمایندگان مجلس خواست که «تا هنگامی که گروهی از کارشناسان مستقل قرارداد مذکور را مورد تایید قرار ندادند، از اجرایی شدن آن جلوگیری نمایند».

پیش‌تر پروژه فازهای ۱۵ و ۱۶ میدان گازی پارس جنوبی نیز به قرارگاه سازندگی خاتم الانبیا واگذار شده بود اما ۲۵ تیر ۸۹ این قرارگاه اعلام کرد که از پروژه‌های پارس جنوبی انصراف داده است.

این شرکت وابسته به سپاه پاسداران در پایگاه رسمی اطلاع‌رسانی خود اعلام کرده که در شرایط کنونی ممکن است ادامه فعالیت این شرکت در فازهای ۱۵ و ۱۶ موجب به «خطر افتادن منابع ملی» شود.

ناظران می‌گویند که بر اثر تحریم‌های بین‌المللی، خاتم‌الانبیا ناچار به کناره‌گیری شده است. قرارگاه خاتم‌الانبیاء از خردادماه گذشته و با تصویب قطع‌نامه ۱۹۲۹ علیه برنامه هسته‌ای ایران در شورای امنیت سازمان ملل، در فهرست تحریم‌ها قرار گرفت. بنا به این قطع‌نامه دارایی‌های این شرکت در بانک‌های خارجی مسدود خواهد شد و رؤسای آن از سفرهای بین‌المللی محروم می‌شوند.

مسعود دانشمند، رئیس اتاق مشترک ایران و امارات نیز ۱۵ تیر ۹۰ خبر داد که حساب‌های شرکت‌های وابسته به قرارگاه «کربلا» و «خاتم‌الانبیاء» در امارات مسدود شده است. قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء شرکتی از زیر مجموعه‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است که بعد از جنگ ایران و عراق تشکیل شد. «آب‌رسانی، صدور نفت و گاز، پروژه‌های سدسازی و انتقال آب و نیرو و راه‌سازی» از جمله اهداف این شرکت اعلام شده است.

فاز دیگری از توسعه گاز در میدان پارس جنوبی تعطیل شد

آسمان دیلی نیوز - معاون وزیر نفت ایران روز دوشنبه (۱۸ مرداد / ۹ اوت) خبر از تعطیلی یکی دیگر از فازهای توسعه گاز در اینکشور را داد. این اتفاق به دنبال قطع همکاری شرکت توتال فرانسه که به دلیل اعمال تحریم‌ها ناچار به ترک ایران شده است، صورت گرفت. از طرف دیگر شرکت انگلیسی - آلمانی شل نیز که قرار بود فاز ۱۳ و ۱۴ این میدان گازی را تکمیل کند، قرارداد را نیمه تمام رها کرد. معاون برنامه‌ریزی و نظارت بر منابع هیدروکربوری وزیر نفت درباره اختصاص نیافتن گاز فازهای ۱۱، ۱۳ و ۱۴ پارس جنوبی به تولید ال.ان.جی، بدون کوچک‌ترین اشاره‌ای به تحریم‌ها؛ اظهار داشت: «در گذشته برخی کشورها با سیاست مذاکره طولانی مدت و اتلاف وقت، به دنبال آن بودند که توسعه میدان مشترک پارس جنوبی را دچار وقفه کنند و از آنجا که در توسعه میدان‌های مشترک مجاز به هیچ گونه وقفه‌ای نیستیم، اجازه ادامه یافتن این روند را ندادیم و با استفاده از منابع مالی داخلی، قرارداد پروژه‌های یاد شده را منعقد کردیم». این دومین باری است که طی روزهای اخیر مسئولین دولتی ایران خبر از تعطیلی پروژه‌های گازی و نفتی می‌دهند.

همیشه در دفاع از حقوق اقلیت حاکم، شلاقش را بر گردهی زحمتکشان زن و مرد کوبیده است. استثمار و وحشیانه، بسیار وحشیانه، زیرا با نیروی کار چون یک کالا یا ابزار برخورد می کند و در عمل او را فاقد ارزش انسانی می دانند و با معیار بازار، درون مایه انسانی او را ندیده می گیرند و نیازمندی های حیاتی برای بازتولید نیروی کارش به فراموشی سپرده می شود. ولی در کنار این بهره کشی عام، شاهد استثمار مضاعف نیمی از افراد جامعه نیز هستیم که مرد استثمار شده در این شیوهی ستم و بهره کشی، نیز خود را در آن سهیم می کند: آری استثمار زن، مادر، همسر. آن هم با عقب مانده ترین مناسبات بادیه نشینی. ارزش زن در این نوع مناسبات عشیره ای چیز بیست درصد یک زیرانداز "تجدید فراش" چون هر مرد ناقص العقلی می تواند (حتا در قرن بیست و یکم) زن را چون زیلوی کهنه ای دور بیاندازد و یک یا چند تای دیگر اختیار کند. (احکام برده داری جنسی) تاسف بارتر اینکه این برده داری جنسی و استثمار وحشیانه ی نیروی کار زن در جامعه ای صورت می گیرد که در تاریخ گذشته اش علاوه بر احترام به شخصیت زن، حقوق زنان کارگر در مقابل تخصص برابر مساوی بوده و در اکثر کارگاه های بزرگ دوره ی هخامنشی به دلیل توانایی مدیریت آنان، سرپرست های کارگران زن و مرد، یک زن بوده است. (۱)

سررشته ی تمام این مناسبات واپس گرایانه ی موجود در دستان کهنه اندیشان دلال صفتی است که در سایه نشسته اند و ریسمان ها را می کشند. این واسطه ها و دلال ها آن چنان از خرد اقتصادی، اجتماعی بیگانه هستند که درکی

آسیب پذیرترین اقشار جامعه در درگیری های این کشور می داند. او می گوید، زنان و کودکان بیش از گذشته «در خانه ها و روستاهایشان هدف حملات قرار گرفته، کشته و زخمی می شوند». به گفته ی وی، کودکان حتی در افغانستان در ملاء عام اعدام می شوند. نیروهای ضد دولتی، مسئول اصلی تلفات غیرنظامیان مسئولیت حدود دوسوم آسیب ها و تلفات انسانی را طالبان و اسلام گرایان افراطی بر عهده دارند. بنا بر گزارش اسپیکل آنلین، اسلام گرایان اغلب از غیرنظامیان به عنوان سپرهای انسانی استفاده می کنند.

سازمان ملل گروه های افراطی اسلامی را مسئول کشته و زخمی شدن ۲۴۷۷ غیر نظامی در افغانستان در سال جاری می داند. در حالی که تلفات ناشی از حملات نیروهای ناتو و نظامیان افغانستان ۳۸۶ نفر است. نماینده ی ویژه ی سازمان ملل در کابل این واقعیت را قابل انتقاد می داند و می گوید: «اگر آنها می خواهند آینده ی این کشور را رقم بزنند باید بدانند که نمی توانند این راه را از میان اجساد پرشمار غیرنظامیان باز کنند».

با وجود این، تلفات نیروهای دولتی و ائتلاف نسبت به سال گذشته کاهش نشان می دهد. "سازمان دیده بان حقوق بشر" این موضوع را قابل تقدیر و حاصل سیاست های مثبت به کار گرفته شده می داند، از جمله مقررات سختگیرانه تر برای یورش های شبانه و لزوم انجام تحقیقات به هنگام کشته شدن غیرنظامیان در حملات نظامی.

اما برخی فعالان حقوق بشر همچنان از عملکرد ناتو و نیروهای ائتلاف انتقاد می کنند. در ماه مه ۲۰۱۰ در ولایت ننگرهار، واقع در شرق افغانستان، در جریان حمله ی شبانه ی نیروهای تحت رهبری آمریکا ۹ غیر نظامی کشته شدند. آمریکا تا کنون در این مورد تحقیق نکرده و مسئولیت آن را بر عهده ی نمایندگان و وابستگان دولت افغانستان می داند.

از موارد دیگر می توان مورد مربوط به جمعه ۶ اوت را نام برد. در جریان تبادل آتش بین نیروهای بین المللی و طالبان در شرق افغانستان دست کم ۴ غیر نظامی کشته شدند. برخی گزارش ها از احتمال کشته شدن بیش از ۱۲ غیر نظامی خبر داده اند.

گزارشی از وضعیت زنان کارگر

ناصر آجاری



کانون مدافعان حقوق کارگر - زمانی که مساله حقوق زن، حقوق اجتماعی و یا دستمزد او مورد بررسی قرار می گیرد، بدون استثنا واژه ی پدرسالاری، مرد سالاری و یا بسیار عینی و واقعی تر (ولی چندش آور) نرسالاری در ذهن انسان زنده می شود؛ ولی واژه تنها شکلی از یک پدیده ی پنهان ضد بشری است، با درون مایه ای طبقاتی و سرشتی استثمارگر. بهره کشی انسان از انسان از دورترین هزاره ها تا به امروز، در نرم ها و قوانین مختلف، ولی

کارگران کمونیست ایران

۲۰ مرداد ماه ۱۳۸۹

از توسعه‌ی اجتماعی صنعتی و علمی ندارند. حتی ضرورت صنعتی شدن جامعه برای تداوم زندگی اجتماعی برای رسیدن به توانایی تولید کالایی را نمی‌فهمند و آن را مترادف با کفر) به خطر افتادن منافع اقتصادیشان) می‌دانند. تنها معیار ارزش این اقتصاددانان در قدرت صدای جرنگ جرنگ سکه‌های طلائی است که آن را برای تعیین عیارش با دندان محک بزنند. همان برده‌فروشان کریه‌دیروزیند که به جای شتر و کجاوه، بر بنز و ... می‌نشینند و با پول نفت، شرکت‌های بین‌المللی خرید و فروش را اداره می‌کنند که دفتر اصلیش در لندن و ... است.

استنادی که به حقوق زنان کارگر در دوره‌ی هخامنشیان کرده‌ام هرگز بدین جهت نبوده که آن را جزو افتخارات ایرانیان امروز بدانم. هرگز. این ارزش‌های بالای انسانی که در تاریخ بشر استثناست، افتخاری است برای مردمان همان زمان با فرهنگ و مناسبات آن دوره. ما را همین بس که در قرن بیست و یکم حداقل حقوق زنان کارگر و نیروی کار زن را ندیده می‌گیریم و آن چنان ستم اقتصادی بر زنان وارد می‌کنیم که واژه‌ی استثمار مضاعف دارای آن درون مایه‌ای نیست که بتواند بار این بهره‌کشی از زن را بیان کند.

زن به عنوان انسان حق دارد با کارش صاحب درآمدی گردد و زندگی مستقلی برای خودش تدارک ببیند. اما زن کارگر پس از ۸ الی ۱۲ ساعت کار به خانه می‌رود، در شهرهای پرجمعیت یکی دو ساعت هم وقتش در ترافیک هدر می‌شود. عاقبت خسته و فرسوده وارد خانه می‌شود، تازه با حجم عظیم کار که در انتظارش است مواجه می‌گردد. کار اصلی زن زحمتکش تازه شروع می‌شود. سامان دادن خانه، پختن غذا برای فردای خانواده، ترو خشک کردن کودکان و خدمت به "آقای خانه". به هر حال او زن است و طبق اصول سنت‌های مردسالارانه وظایفی به عهده‌ی اوست. ولی زمان برای انجام این همه کار با توجه به مقدار ساعات کار بیرون کافی نیست. پس چه باید کرد؟ در شرایط موجود پاسخی وجود ندارد. علت مبارزه پیگیر کارگران در سطح بین‌المللی و ایران برای پایین آوردن ساعات کار به ۸ ساعت در روز که متأسفانه امروزه، برخلاف منافع زحمتکشان به ۱۲ ساعت هم رسیده است، صرفاً به دلیل ضرورت اوقات فراغت برای بازتولید نیروی کار هدر رفته و رسیدگی به آموزش و تربیت کودکان است که نیروی کار آینده را تشکیل می‌دهند که باز هم این در خدمت ساختار سرمایه‌داری است ولی به قیمت هزینه حداقل درآمد کارگر و زندگی.

با وجود این همه ستم‌های چند گانه، شاهد ابعادی بزرگتر از استثمار و بی‌داد دولتی در حق زنان کارگر و جویای کار هستیم. با توجه به بیکاری مزمن جامعه‌ی ما که با رشد جمعیت جوان ایران در تضادی ستیزنده است، دولت و مجلس اصلاح طلب دست به اقدامی زد که در تاریخ جنبش کارگری ایران و کلیه‌ی دوره‌های پس از مشروطیت به صورت عملکردی واپس‌گرا و ضد کارگری و ضد نیروی کار زنان برای همیشه به یادگار ماندگار مانده است. معاف شدن کارگاه‌های زیر ده نفر از قانون کار جزو افتخارات دولت به اصطلاح اصلاح طلب خاتمی است. این قانون ستم و بیدادی است بر جامعه کارگری ایران، که بیشترین مصیبتش بر سر زنان کارگر و جویای کار پیاده شده است. برآیند چنین شرایطی برای دختران تحصیل کرده و زنان سرپرست خانوار فاجعه‌بار گردیده

است زیرا حداقل حقوقی که مسولان کارگاه‌های زیر ده نفر برای نیروی کار تعیین می‌کنند در مواردی حتی یک سوم حداقل حقوق قانون کار نمی‌شود. آیا با چنین درآمدی یک نیروی کار زن می‌تواند از پس پرداخت اجاره‌ی یک اتاق برآید؟ غذا، لباس و هزینه‌های دیگر را فعلاً محاسبه نمی‌کنیم.

در کنار این قوانین ضدانسانی شاهد رشد پدیده‌ای "من پآوری" هستیم. دلایلی نیروی کار یا "من پآوری" (manpovert) که از دوره‌ی سردار سازندگی در پروژه‌های نفتی بوجود آمده بود، اکنون ابعادی همه‌گیر یافته است. "من پاور"، ببخشید دلال محترم، کاسب است و کاسب "حیب خدا" این حق اوست که زنان کارگر را به کارگاه‌ها معرفی کند و از آن حداقل حقوق که چیزی کمتر از یک سوم حداقل حقوق قانون کار است، درصدی به جیبش وارد گردد. طبق این قوانین نیروی کار باید شبانه‌روز برای سرمایه‌دار و دلال‌ها کار کند و تازه پس از ۴ ماه حقوق یک ماه را دریافت کند.

از سوی دیگر ناتوانی در ایجاد اشتغال برای میلیون‌ها جوان بیکار و سربار جامعه، فروپاشی صنایع تولیدی به دلیل واردات بی‌رویه اربابان قدرت، روند تصاعدی رشد بیکاری و فقر عمومی باعث گردید تلاش برای بیرون کردن زنان از بازار کار، با تبلیغات گسترده آغاز گردد. بازنشستگی قبل از موعد، بازخرید زنان کارمند و معلم از ترفندهایی است که سرمایه‌داری دلالی نهایت بهره را از آن می‌برد. گرچه زنان به‌رغم این همه بی‌داد اجتماعی توانسته‌اند دانشگاه‌ها را تسخیر کنند ولی در بازار کار

با وجود تحصیلات دانشگاهی وضع زنان واقعا مصیبت بار است.

در پروژه‌های نفتی حقوق یک خانم مهندس یا لیسانس زبان برای روزانه ۱۲ ساعت کار و ماهیانه ۲۷۶ ساعت حداکثر شش صد هزار تومان است. در حالی که سرپرست یک واحد کوچک (فورمن) مبلغی معادل یک میلیون و دویست تا یک میلیون شش صد هزار تومان دریافت می‌کند. یک کارگر فنی کم سواد ۶۰۰ هزار تومان دریافت می‌کند. (البته اگر بعد از ۴ ماه به او بدهند) و یک جوشکار کم‌سواد حداقل یک میلیون و دویست هزار تومان دریافت می‌کند. با توجه به این که حداقل حقوق برای کارگر کم‌سواد و بی تخصص، آن هم برای ۱۹۲ ساعت کار در ماه، سیصد و سه هزار تومان است. اینک به حقوق یک خانم کارشناس توجه کنید که حداکثر آن شش صد هزار تومان است. مدت کار این خانم در پروژه‌ها روزانه ۱۲ ساعت کار و در ماه ۲۷۶ ساعت است. یعنی ماهانه این خانم به نسبت قانون کار ۸۴ ساعت اضافه کاری می‌کند که اگر آن را در صدی چهل قانون کار ضرب کنیم ۱۱۷ ساعت اضافه کار می‌شود (در حالی که در پروژه تعطیلی روز آدینه را نداریم) اگر ۴ آدینه در ماه را طبق قانون کار که می‌باید نیروی کار استراحت کند و حقوق کامل دریافت نماید (زیرا اوقات فراغت برای آماده‌سازی روانی نیروی کار حیاتی است) در نظر بگیریم، می‌بینیم که یک کارشناس زن ساعات کاری معادل دو ماه کار را در یک ماه انجام می‌دهد. و حداکثر شش صد هزار تومان دریافت می‌کند که همان حداقل حقوق یک کارگر بدون تخصص و بدون سواد می‌شود.

هدف از این مطلب بیان واقعیت تلخ است که زن در کارخانه‌ها و یا در بخش خدماتی در برابر کار و تخصص برابر با مرد، حقوقی بسیار کمتر دریافت می‌کند. گذری می‌کنیم بر بازار کار برای زنان، در شهرهای مختلف و دستمزدهای آنان.

تبریز

یک پرستار با مدرک کارشناسی در بیمارستان خصوصی شفا، در بخش سی سی یو با روزی ۱۲ ساعت کار (که بر خلاف قوانین بین‌المللی کار است که ایران هم مقوله‌های آن را امضا کرده است) ۳۲۰ هزار تومان دریافت می‌کند که این معادل حداقل حقوق است. خانواده‌ی این خانم پرستار حداقل ۱۶ سال هزینه آموزش او را پرداخت کرده اند تا امروز پس از پایان آموزش کارمزدی معادی یک کارگر بی سواد و غیرماهر دریافت کند. یک خانم دیپلمه در تبریز برای کار در فروشگاه تجهیزات بیمارستانی (بخش خصوصی) از ساعت ۸ صبح ۱ لی ۶ پسون ماهانه ۲۵۰ هزار تومان دریافت می‌کند، آن هم بدون بیمه و تامین اجتماعی. در بازار تبریز برای یک فروشنده‌ی زن دیپلمه در لباس فروشی، بدون بیمه با روزانه ده ساعت کار که در مناسبت‌هایی چون جشن‌ها، ساعات کار طولانی‌تر می‌شود، آن هم بدون هیچ کارمزدی، ماهانه ۲۲۰ هزار تومان حقوق پرداخت می‌گردد. در دفاتر هواپیمایی در تبریز خانم‌هایی با مدرک کارشناسی و تسلط به یک زبان خارجی سه ماه اول به نام آزمایشی ماهیانه با ۶۰ هزار تومان استخدام می‌شوند، در صورتی که کارفرما از کار آنها اعلام رضایت بفرماید، ادامه کارشان امکان‌پذیر خواهد شد آن هم با حقوق ماهانه ۱۵۰ هزار تومان با روزانه ۱۴ ساعت کار، از ساعت ۸ صبح تا ده شب، بدون

بیمه بدون نهار. (که معمولا با اعلام عدم رضایت دیگری را با این حقوق ناچیز به کار می‌گیرد. موارد سوءاستفاده پنهان که جای خود دارد)

حالا تصور کنید که این خانم بخواهد سربرار کسی نباشد و روی پای خودش بایستد، با این درآمد ناچیز در شهری مانند تبریز، آیا می‌تواند زندگی کند؟ اگر فرض کنیم این نیروی کار بتواند یک خانه نقلی پیدا کند و پول پیش آن را هم بدهد، با این طرح حذف یارانه‌ها، آیا در آمد این خانم در حد پرداخت هزینه آب و برق خواهد بود؟ در ساختارهای اقتصادی که یارانه وجود ندارد، حداقل حقوق کارگران قادر به پاسخگویی به رفع نیازمندی‌های اولیه زحمتکشان است و وضعیت اشتغال به صورتی است که اکثریت مردم کار دارند. در حالی که در کشور ما حداقل حقوق با هزینه‌های زندگی تعاملی ندارد. وضع اشتغال که بسیار اسفبار است با سیاست‌های ناپه‌نچار برای راضی نگه داشتن صندوق بین‌المللی پول برای پیوستن به تجارت جهانی) هر روز شرایط اشتغال بحرانی‌تر می‌شود و عده‌ی بیشتری از کارگران بیکار می‌شوند. این شیوه عملکرد در حقیقت استثمار مضاعف همه‌ی مردم ایران است.

در کارخانه‌ی ساخت وسایل پلاستیکی اکثریت کارگران را زنان تشکیل می‌دهند ساعت کار این خانم‌ها از ساعت ۸ بامداد با ۸ شب برای ماهیانه ۱۸۰ هزار تومان، آن هم بدون بیمه .

سیاهکل

شرکت کلوچه‌سازی شهر صنعتی سیاهکل برای یک کارگر زن (اکثر قاطع کارگران این شرکت خانم‌ها هستند با روزانه کار ۹ ساعت در روز مبلغ ۱۸۰ هزار تومان حقوق

کارگران کمونیست ایران

۲۰ مرداد ماه ۱۳۸۹

می کند. چرا یک نهاد دولتی، آن هم آموزش و پرورش، دستش در دست دلال هاست؟ چرا یک خانم تحصیل کرده را مستقیماً استخدام نمی کنند؟ و اما در مهدکودک های بخش خصوصی در اراک به خانم های مربی، که اکثراً لیسانس هستند، فقط ماهیانه ۵۰ هزار تومان می پردازند.

گیلان

شرکت سیبون تولیدکننده ی تن ماهی و خورشید قیمة . کار روزانه زنان در این شرکت از ساعت هفت و نیم بامداد تا چهار بعد از ظهر ادامه دارد و از ساعات ۱۴ تا ۱۸ به نام اضافه کاری، که بابت ده و نیم ساعت کار روزانه حقوق ماهیانه این خانم ها ۳۶۰ الی ۳۷۰ هزار تومان است. البته از عجایب است که در این شرکت زنان بیمه هستند.

کارخانه سورنگ خزر در شهر صنعتی رشت برای بسته بندی کالا از کارگران زن استفاده می کند با حقوق ماهیانه ۱۲۰ هزار تومان بدون بیمه و تامین اجتماعی . در این شرکت هر سه ماه قرارداد جدیدی با کارگران زن بسته می شود. خاصیت این عمل برای کارفرما عدم پرداخت مرخصی ماهانه و سنوات به کارگران زن می باشد. در حقیقت یک کارگر زن اگر بتواند سی سال در این شرایط دوام بیاورد، مدت خدمتش همان سه ماه و ده روز است که بازنشستگی شامل آن نمی شود و کارفرما هم از پرداخت ۲۰ درصد حق بیمه کارگر معاف می شود. این هم یکی دیگر از عوارض معاف شدن کارگاه های زیر ده نفر از قانون کار است. البته نباید از حق گذشت کارفرما چون مسلمان معتقد است و حلال و حرام سرش می شود، کارگران زن روزهای جمعه

می گیرند. با توجه به حداقل حقوق اداره کار که ۳۰۳ هزار تومان برای ۱۹۲ ساعت کار کرد در ماه می باشد، این خانم ها از یک سو هر ماه ۴۲ ساعت نسبت به قانون کار به صورت مجانی برای کارفرما کار می کنند و از سوی دیگر مبلغی معادل کمی بیش از نصف حداقل حقوق دریافت می کنند. با یک محاسبه دقیق می توان ابعاد وحشیانه ی استثمار زنان کارگر را بررسی کرد، با توجه به این که این کارگران بیمه نیستند. این است تاثیر فاجعه بار معاف شدن کارگاه های زیر ده نفر از قانون کار، غارت وحشیانه ی همه جانبه ی کارفرماها و فقر سیاه کارگران زن.

در شهرک صنعتی سیاهکل در یک کارگاه تولید ظروف یک بار مصرف تنها ۲ کارگر مرد اشتغال دارند با حقوق ۳۸۰ هزار تومان و بیمه هم هستند. بقیه کارگران را خانم ها تشکیل می دهد، اما با کاری معادل کار کارگران مرد، تنها به اندازه نصف حقوق مردان را دریافت می کنند. با روزانه ی کار از ساعت ۸ تا ۱۷ عصر برای ماهیانه ۱۷۰ هزار تومان بدون هیچ مزایا، بدون بیمه و بازنشستگی.

صنعتی اراک

خانم های فارغ التحصیل دانشگاه در خانه بیکار نشسته اند و در آرزوی پیدا کردن یک پارتی هستند تا برای مدت کوتاهی با اشتغال موقت گوشه ای از زندگی شان را سامان بدهند.

یک خانم لیسانس یا فوق لیسانس برای استخدام در مهد کودک وابسته به آموزش و پرورش اراک، بدون بیمه و بدون بازنشستگی و مزایای دیگر، تنها ماهیانه ۷۰ الی ۸۰ هزار تومان دریافت می کند. در بخش خصوصی ماهیانه ای کمتر پرداخت می شود. آیا با این مقدار کارمزد، یک خانم می تواند خانه ای اجاره کند یا فرزندانش را پرورش دهد؟ این مقدار حتا کفاف هزینه ی رفت و آمد این خانم ها را نمی دهد. شاید بپرسید پس چرا آنها به این کار ادامه می دهند؟ من هم همین سوال را از یکی از این خانم ها پرسیدم. گفت:

"دارم دیوانه می شوم. در خانه شب و روز بیکار نشسته ایم و دیوارها را نگاه می کنیم. اینطور حداقل مشغول به کار می شویم و بخشی از نیازهای روانی مان حل می شود." یک شرکت دلالی یا "من پآوری" زنان را برای پرستاری یا انجام کارهای خانه استخدام می کند. ساعات کار از ۷ بامداد تا ۱۷ پسین به مقدار ده ساعت کار در روز بدون بیمه و یا هیچ مزایای دیگر. برای ماهیان ۸۰ هزار تومان . ولی قراردادی که همین شرکت با متقاضی نیروی کار می بندد، مبلغ ۱۸۰ هزار تومان در ماه می باشد. این واسطه از درآمد هر زن بابت حق دلالی، بابت حق ضد بشری که به او داده شده، مبلغ یک صد هزار تومان برداشت می کند. ده ساعت کار دشوار و گاهی کثیف را زن انجام می دهد. ولی سهم شیر به واسطه ی قرون وسطایی تعلق دارد. قانونی که حامی اقلیت حاکم و وابستگان آنهاست و تیغ برنده اش بر ضد اکثریت مردم است، یک قانون طبقاتی نیست؟ یک شرکت دیگر "من پآوری" که با آموزش و پرورش اراک همکاری می کند برای استخدام یک خانم معلم لیسانس یا فوق لیسانس مبلغ ۳۶۰ هزار تومان از آموزش و پرورش دریافت می کند ولی به خانم های حق التدریسی ماهیانه ۱۲۰ هزار تومان پرداخت

هم باید کار کنند والا کسری حقوق خواهند داشت.

کرمانشاه

فروشگاه‌های لباس با ساعات کار طولانی در روز بین ده الی ۱۲ ساعت کار، بدون بیمه و تامین اجتماعی و بدون قرارداد کار به خانم‌های متقاضی کار ماهیانه ۸۰ الی ۱۰۰ هزار تومان پرداخت می‌کند.

آغاچاری (امیدیه خوزستان)

خانم‌های متقاضی کار می‌توانند اگر لیسانس یا دیپلم داشته باشند، و صد البته یک پارتی پیدا کنند، به عنوان معلم حق‌التدریسی برای آموزش و پرورش کار کنند، با حقوق ماهیانه ۴۰ یا ۵۰ هزار تومان، بدون بیمه و بازنشستگی.

نجف آباد اصفهان

یک کارگر زن در مرکز چاپ و تکثیر از ساعت ۸ الی ۱۲ ظهر و از ساعت ۱۵ تا ۸ شب برای ماهیانه ۸۰ هزار تومان کار می‌کند. بدون بیمه و هیچ مزایای دیگر. این زن کارگر باید کارهای نظافت کارگاه و کارهای حاشیه‌ای دیگری را نیز انجام دهد و گرنه اخراج خواهد شد. زمان کار در یک مرکز دیگر چاپ و تکثیر از ۹ صبح تا ۱۹ شب است. در ابتدای استخدام با ماهی ۷۰ هزار تومان زن کارگر استخدام می‌گردد. پس از کسب مهارت‌ها با اضافه کاری‌های اجباری حقوق زن به ۱۵۰ هزار در ماه می‌رسد. محیط کار برای سلامتی نامناسب است: یک زیرزمینی سرد و مرطوب.

در کارگاه تولید لباس

ساعات کار برای خانم‌ها از ۷ صبح تا ۷ شب برای روزانه ۴ هزار تومان، بدون بیمه و بازنشستگی.

شاهین شهر اصفهان

آژانس هواپیمایی برای یک خانم مسلط به زبان خارجی با زمان کاری از ساعت ۹ صبح تا یک ظهر و از ساعت ۱۷ تا ۲۰ شب (روزانه ۷ ساعت کار) ماهانه ۸۰ الی ۹۰ هزار تومان، بدون بیمه و هزینه‌ی رفت و آمد پرداخت می‌کند.

اصفهان

نگهداری از پارک‌ها و فضای سبز به پیمانکاران خصوصی واگذار شده است. پیمانکاران نیز کارشناسان خانم را استخدام می‌کنند و به هر کدام چند کارگر بیل و کلنگ به دست می‌دهند و بعد از آنها می‌خواهند با طرح‌های ابتکاری نظر شهرداری را جلب کنند. برای روزی ۱۲ ساعت کار دشوار (هدایت افرادی غیرمتخصص و آموزش آنها) ماهیانه ۲۰۰ هزار تومان بدون بیمه و...

ظاهراً شهرداری برای صرفه‌جویی در هزینه‌ها، تامین نیروهای انسانی‌اش را به این شرکت‌های دلال می‌دهد. اما در واقع صرفه‌جویی صورت نمی‌گیرد و شهرداری حقوق یک کارشناس را به دلال (من پاور) می‌پردازد. درحقیقت تنها کاری که صورت می‌گیرد است که از حقوق ده‌ها زحمتکش مبلغی را کسر می‌کنند تا به جیب یک دلال بریزند.

آخرین ضربه سنگینی که به طبقه‌ی کارگر وارد شد، بند "ز" مصوب مجمع تشخیص مصلحت بود. بند "ز" اهرم و ابزار سرمایه‌دار شده تا هر زمان که اراده نماید، بتواند نیروی کار را بدون هیچ مشکل قانونی اخراج کند. تصویب یک قانون برای اجرای بی قانونی در جامعه. پدیده‌ی خارق‌العاده‌ی قرن بیست و یکم است. شاید برای ضمیمه شدن به اعلامیه حقوق بشر؟؟؟؟

زیرنویس:

۱. به کتاب از زبان داریوش نوشته‌ی پروفیسور ماری کخ، با استناد جز به جز به سی هزار لوح میخی ایلامی، ترجمه دکتر رجیبی مراجعه شود.

کارگران کمونیست ایران



کارنامه سوسیال‌الاب

شماره ۳۵ منتشر شد

سرخ‌رنگین کمان - س. شایان
 * علل غیبت طبقاتی کارگران از مبارزات ضد دیکتاتوری (۳) رحیمی
 * فاشیسم یا انقلاب - احمد فارسی
 "مشروطه خواهی" پس از یک قرن و اتدی؟! - احمد فارسی
 * در پاره تاریخ اتحادیه کمونیست (قسمت اول)، فردریک انگلس - ترجمه از م. مینایی
 * مارکسیسم و مسئله سوسیالیسم در یک کشور - ف. فرخی